

بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی

Investigating the mediating role of marital satisfaction in the relationship between early maladaptive schemas and marital commitment

Nazhin Rabiee

Ph.D Candidate in General Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Afsaneh Ghanbari Panah *

Assistant Professor, Department of Counselling, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

af_ghanbari@yahoo.com

Roya Koochakentazar

Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Shirin Kooshki

Associate Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

نازین ربیعی

دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تهران، ایران.

افسانه قنبری پناه (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رویا کوچک انتظار

استادیار، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شیرین کوشکی

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Abstract

This study investigated the mediating role of marital satisfaction in the relationship between early maladaptive schemas and marital commitment in married women. The present research was descriptive-correlation based on structural equation modeling. The statistical population included all the women who were referred to counseling centers under the supervision of the State Welfare Organization of Shiraz in 2020-2022, and 300 people were selected, by the convenience sampling method. Participants were asked to fill out the Young Schema Questionnaire-short form (YSQ-SF, Young, 1998), Enrich Marital Satisfaction Scale (EMS, Fowers & Olson, 1993), Dimensions of Commitment Inventory (DCI, Adams & Jones, 1997). The results indicated that the research model is a good fit. The finding showed disconnection and rejection ($p < 0.05$), other-directedness ($p < 0.01$) domains, and marital satisfaction ($p < 0.001$) have a significant direct effect on marital commitment. Moreover, marital satisfaction mediates the relationship between the disconnection and rejection ($p < 0.05$) and other-directedness ($p < 0.01$) domains with marital commitment. Based on the above results, It can be concluded that considering the mediating role of marital satisfaction, early maladaptive schemas can explain marital commitment in married women.

Keywords: Marital Satisfaction, Marital Commitment, Early Maladaptive Schemas, Disconnection and Rejection Domain, Other-Directedness Domain.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی در زنان متأهل بود. روش پژوهشی توصیفی-همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تحت نظارت بهزیستی شیراز در سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۰ بود که از بین آنها ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان، پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ، فرم کوتاه (YSQ-SF، یانگ، ۱۹۹۸)، مقیاس رضایت زناشویی انریچ (EMS)، فاووز و السون، ۱۹۹۳)، پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI، آدامز و جونز، ۱۹۹۷) را تکمیل نمودند. نتایج نشان داد که مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار است. یافته‌ها حاکی از آن بود که اثر مستقیم حوزه‌های بریدگی و طرد ($p < 0.05$) و دیگر جهت‌مندی ($p < 0.01$) بر تعهد زناشویی، و اثر مستقیم رضایت زناشویی ($p < 0.001$) بر تعهد زناشویی معنادار است. همچنین رضایت زناشویی، رابطه میان حوزه‌های بریدگی و طرد ($p < 0.05$) و دیگر جهت‌مندی ($p < 0.01$) با تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند. از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با توجه به نقش میانجی رضایت زناشویی می‌توانند تبیین‌کننده تعهد زناشویی در زنان متأهل باشند.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، تعهد زناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، حوزه بریدگی و طرد، حوزه دیگر جهت‌مندی.

مقدمه

در ادبیات روانشناسی، تعهد و نقطه مقابل آن، خیانت و عدم تعهد یک مفهوم بحث‌برانگیز است. تعهد زناشویی به عنوان فرایند پویایی توصیف شده است که اثری قوی بر دوام یک رابطه دارد. تعهد زناشویی به این معناست که زوجین از لحاظ عاطفی و جنسی به همسر خود پایبند می‌مانند، برای حفظ و تقویت رابطه‌شان گام برمی‌دارند و با همسرشان حتی هنگامی که ازدواج‌شان پاداش‌دهنده نیست، می‌مانند. بنابراین، تعهد زناشویی شامل تعهد بیان‌شده یا ضمنی در رابطه با وفاداری جنسی و هیجانی بین همسران است (فرانزی و فرامپتون^۱، ۲۰۲۴). زمانی که تعهد در رابطه می‌شکند و یا مورد تردید قرار می‌گیرد، این موضوع پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی‌ای برای پایان رابطه است که اغلب به جدایی غیررسمی و یا طلاق رسمی ختم می‌شود (ایسما و ترنیپ^۲، ۲۰۱۹). علی‌رغم عدم تایید اجتماعی قدرتمندی که بر علیه عدم تعهد زناشویی وجود دارد، این موضوع پدیده‌ی گسترده و فراگیری است (وارما و ماهشواری^۳، ۲۰۲۴). سطوح پایین تعهد زناشویی یکی از مواردی است که زوج‌درمانگران به طور منظم در تجارب بالینی‌شان با آن مواجهه می‌شوند. (فرانزی و فرامپتون، ۲۰۲۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کاهش سلامت روان، کاهش عزت نفس، تجربه هیجانات منفی همچون خشم، استیصال، درماندگی، غمگینی، احساس گناه، اضطراب، پریشانی روانشناختی، و آشفتگی در عملکرد شناختی در تمامی افراد درگیر در عدم تعهد از جمله کودکان، به عنوان پیامدهای عدم تعهد زناشویی محسوب می‌شوند (ساکمن^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین به منظور تمرکز و تقویت تعهد زناشویی، استحکام روابط زوجی، و کاهش هزینه‌های مادی و روانی تحمیل‌شده بر افراد، خانواده‌ها و سیستم درمانی بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی دخیل در میزان تعهد زناشویی نقش و اهمیت خاصی دارد.

هرچند در مراحل ابتدایی رابطه، سطوح جذابیت می‌تواند میزان بالایی از تعهد را ایجاد کند اما نظریه پردازان تلاش کرده‌اند که عوامل تاثیرگذار بر تعهد زناشویی در یک رابطه بلند مدت را مشخص سازند (جانوسکی^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). رویکرد عوامل مستعدکننده^۶ (هرگرت^۷، ۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کند که حتی اگر متغیرهای موقعیتی وجود داشته باشند، این ویژگی‌های فردی ثابت و پایدار همسران است که به عنوان ریشه تبیینی تعهد زناشویی محسوب می‌شوند. مدل طرحواره‌های ناسازگار یانگ یکی از عوامل فردی تاثیرگذار بر تعهد زناشویی است که بر اساس رویکرد عوامل مستعدکننده پیشنهاد شده است. طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۸ (EMS)، درون‌مایه‌ها یا الگوهای نافذ و فراگیری هستند که شامل خاطرات، هیجانات، شناختواره‌ها، و احساسات بدنی در خصوص خود شخص و یا روابطش با دیگران می‌شوند، که در سال‌های اولیه کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در سرتاسر زندگی تداوم دارند، و به شدت ناکارآمد هستند. این طرحواره‌ها که ناشی از نیازهای برآورده‌نشده، تجارب اولیه زندگی و خلق و خو هستند، در خلال روابط برقرارشده در دوران کودکی و نوجوانی استقرار می‌یابند و خود را در روابط عاطفی بزرگسالی نشان می‌دهند (یانگ و گلووسکی^۹، ۱۹۹۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، می‌توانند سطوح پایین تعهد زناشویی را پیش‌بینی کنند (کریمی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳؛ بیک‌زاده^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). اما پژوهش‌های اندکی مکانیزم‌های واسطه‌ای در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این فرض وجود دارد که طرحواره‌های ناسازگار از طریق تأثیر بر رضایت زناشویی بر میزان تعهد همسران اثر می‌گذارد (ایکن^{۱۲}، ۲۰۱۷).

در حقیقت، یکی از رایج‌ترین دلایل ذکرشده برای عدم تعهد زناشویی، عدم رضایت از رابطه اصلی است (هاکاتورن و آشداون^{۱۳}، ۲۰۲۱). رضایت زناشویی، ارزیابی ذهنی و کلی‌ای است که فرد از میزان خرسندی، خوشنودی و خوشحالی نسبت به رابطه زناشویی‌اش دارد و با کیفیت رابطه و ازدواج مرتبط است (لی و فانگ^{۱۴}، ۲۰۱۱). اگر رابطه اصلی غیررضایت‌بخش باشد، توجه دریافت‌شده از طرف نفر سوم به

1 Franzoy & Frampton
2 Isma & Turnip
3 Varma & Maheshwari
4 Sakman
5 Janovsky
6 dispositional approach
7 Hergert
8 early maladaptive schemas
9 Young & Gluhoski
10 Karimi
11 Beikzadeh
12 Eken
13 Hackathorn & Ashdown
14 Li, & Fung

عنوان تسهیل‌کننده عمل می‌کند و منجر به نقض تعهد زناشویی می‌شود (آتیس^۱، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نیز مؤید این است که افرادی که رضایت کمتری از رابطه اصلی‌شان دارند، از سطوح پایین‌تری از تعهد زناشویی برخوردارند (تاتوم^۲ و همکاران، ۲۰۲۳؛ سلترمن^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). موانع متعددی می‌توانند مانع رضایت در رابطه ازدواج باشند. یکی از مواردی که بر رضایت از رابطه اثر می‌گذارد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. رضایت زناشویی از طریق تعاملات روزمره‌ی زوجین که شامل رفتارهای معمول و الگوهای ارتباطی نشأت‌گرفته از طرحواره‌هاست، شکل می‌گیرد، بنابراین به‌نظر می‌رسد که شیوه‌ای که افراد بر اساس طرحواره‌هایشان، رابطه عاطفی‌شان را از نظر شناختی سازمان‌دهی می‌کنند، کیفیت رابطه عاطفی و رضایت از رابطه را تعیین می‌کند. از آنجایی که طرحواره‌ها به دلیل تمایل بشر به هماهنگی شناختی، برای بقای خودشان می‌جنگند، همسران وقایع پیش‌آمده فی‌مابین را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با طرحواره‌هایشان همخوان باشد. در نتیجه سوگیری در تفسیر رویدادها، سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، و تعارضات ایجادشده ناشی از طرحواره‌های ناسازگار، ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و می‌تواند زمینه را برای کاهش میزان تعهد زناشویی فراهم کنند (وایلد و دوئیس^۴، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نیز حاکی از آن است که رابطه معناداری بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی وجود دارد (جاونسکی و همکاران، ۲۰۲۳؛ دربا و همکاران، ۱۴۰۰).

در مجموع به نظر می‌رسد که سطوح پایین تعهد زناشویی به واسطه عواملی مانند گسترش شبکه‌های اجتماعی، روندی افزایشی داشته است. همچنین بر خلاف گذشته که نقض تعهد زناشویی در زنان به نسبت مردان به میزان کمتری رخ می‌داد، پژوهش‌های اخیر گزارش کرده‌اند که تفاوت‌های جنسیتی در طول زمان کاهش یافته است (آتیس، ۲۰۱۸). بنابراین شناسایی متغیرهای مرتبط و تبیین‌کننده تعهد زناشویی می‌تواند زمینه بهبودی کارایی مداخله‌ها را به واسطه افزایش دانش در این زمینه ارتقا دهد. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه، یک عامل زیر بنایی در روابط عاطفی دوران بزرگسالی محسوب می‌شود و می‌تواند سطوح پایین تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند. بعلاوه در این میان، کیفیت رابطه زوجی و میزان رضایت زناشویی، نه تنها از طرحواره‌های ناسازگار تأثیر می‌پذیرد، بلکه بر تعهد زناشویی نیز اثرگذار است. با بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی، می‌توانیم درک عمیق‌تری از چگونگی تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعهد زناشویی به دست آوریم. این دانش برای روانشناسان و زوج‌درمانگران ارزشمند است زیرا بینش‌هایی را در مورد مسیرهای خاصی ارائه می‌دهد که تبیین‌کننده تعهد زناشویی است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی در زنان متاهل انجام شد.

روش

پژوهش حاضر، توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش، متشکل از کلیه زنان متاهلی بود که در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۸ به مراکز مشاوره تحت نظارت بهزیستی شیراز مراجعه کردند. مطابق با دیدگاه کلاین^۵ (۲۰۲۳) در مدل‌یابی معادلات ساختاری به ازای هر پارامتر حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ نفر مطلوب است. بنابراین ۳۰۰ نفر (۲۵×۱۲) به عنوان حجم نمونه مطلوب در نظر گرفته شد که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل جنسیت مؤنث، متاهل بودن، حداقل سن ۲۰ سال، ازدواج و زندگی در کنار همسر در زمان شرکت در پژوهش، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم به جهت توانایی درک و پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، داشتن ملیت ایرانی، گذشت حداقل ۳ سال از ازدواج (زیرا در ابتدای ازدواج میزان تعهد زناشویی بالاست) بود. همچنین عدم پاسخگویی به حداقل پنج درصد از سوالات پرسشنامه‌ها به عنوان ملاک خروج از پژوهش بود. پژوهشگران در طول فرایند پژوهش به اصول اخلاق در پژوهش همچون رضایت آگاهانه، شرح اهداف پژوهش، رازداری، عدم خسارت جسمی و مالی، و مختار بودن افراد جهت شرکت در پژوهش متعهد بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و AMOS نسخه ۲۴ انجام شد.

1 Ates
2 Tatum
3 Selterman
4 Wilde, & Dozois
5 Kline

ابزار سنجش

پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز^۱ (DCI): این پرسشنامه توسط آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ تهیه شده و دارای ۴۴ ماده است و سه بعد تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، و تعهد ساختاری را اندازه‌گیری می‌کند. پرسشنامه روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسشنامه بیشترین نمره‌ای که فرد می‌تواند اخذ کند، ۲۲۰ و کمترین نمره ۴۴ است. آدامز و جونز (۱۹۹۷) روایی محتوای را ۰/۹۰ و پایایی هریک از خرده مقیاس‌های تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۶، ۰/۸۹ و آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. عباسی و همکاران (۱۳۹۵) ضریب همبستگی خرده مقیاس‌ها با کل آزمون را در دامنه‌ای از ۰/۶۶ تا ۰/۸۱ به دست آورد که نشانگر تایید روایی سازه است. امیرارجمندی و همکاران (۱۴۰۰) پایایی پرسشنامه را با روش ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های شخصی، اخلاقی و ساختاری به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۱، و ۰/۸۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تعهد شخصی ۰/۸۹، تعهد اخلاقی ۰/۸۵، تعهد ساختاری ۰/۸۳ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۴ به دست آمد.

مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۲ (EMS): نسخه اولیه پرسشنامه توسط فاووز و السون^۴ در سال ۱۹۸۹ تدوین و در سال ۱۹۹۳ تجدیدنظر شد. این پرسشنامه شامل ۳۵ ماده و ۴ خرده مقیاس است که شامل رضایت زناشویی (رضایت از حوزه‌های مختلف ارتباط با همسر)، ارتباطات (مهارت‌های ارتباطی)، حل تعارض (شیوه‌های حل اختلاف)، تحریف آرمانی (ایده‌آل‌سازی از رابطه زناشویی) می‌باشد. این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات سه خرده مقیاس اول از ۱۰ تا ۵۰ و برای خرده مقیاس چهارم از ۵ تا ۲۵ است. نمره کل از مجموع نمرات چهار خرده مقیاس به دست می‌آید. فاووز و السون (۱۹۹۳) روایی محتوایی را ۰/۸۱ و پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای کل ابزار ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، و ۰/۸۳ گزارش کردند. صادقی (۱۳۸۹) روایی همگرا را ۰/۷۳ و پایایی از طریق همسانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های آن از ۰/۷ تا ۰/۹۱ به دست آورد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۱، ۰/۸۰، ۰/۸۶ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ، فرم کوتاه^۵ (YSQ-SF): فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره توسط یانگ در سال ۱۹۹۸ (به نقل از اویی و بارانوف^۶، ۲۰۰۷) ساخته شد و دارای ۷۵ ماده است که ۵ حوزه و ۱۵ طرحواره از طرحواره‌های ناسازگار اولیه را می‌سنجد. سوالات بر مبنای مقیاس درجه‌بندی لیکرت ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. اویی و بارانوف (۲۰۰۷) روایی همگرا را ۰/۸۵ و پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ، برای تک تک خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷ گزارش کردند. در ایران صدوقی و همکاران (۱۳۸۷) روایی سازه را از طریق تحلیل عامل بررسی کردند و گزارش کردند که عامل‌های به دست آمده ۶۴/۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. نصیرهند و همکاران (۱۴۰۱) پایایی این ابزار را از طریق همسانی درونی و با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای پنج حوزه به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۹، ۰/۷۰، ۰/۷۸، و ۰/۷۰ به دست آوردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای پنج حوزه به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۱، ۰/۷۸، ۰/۸۳، ۰/۸۷ حاصل شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، میانگین سن افراد شرکت‌کننده ۳۸/۰۷ و انحراف استاندارد ۸/۴۱ بود. از نظر مدرک تحصیلی، افراد دارای تحصیلات کارشناسی با ۳۵/۲ درصد بیشترین فراوانی را داشتند. میانگین مدت زمان ازدواج افراد شرکت‌کننده بر حسب سال ۱۴/۰۹ و انحراف استاندارد ۹/۴۹ بود. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1 Adams & Jones

2 Dimensions of Commitment Inventory

3 Enrich Marital Satisfaction Scale

4 Fowers, & Olson

5 Young schema questionnaire short form

6 Oei & Baranoff

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	۱											
۲	۰/۷۶**	۱										
۳	۰/۵۳**	۰/۵۸**	۱									
۴	۰/۶۸**	۰/۷۱**	۰/۴۸**	۱								
۵	۰/۶۳**	۰/۶۴**	۰/۶۰**	۰/۶۰**	۱							
۶	۰/۳۰**	۰/۲۶**	۰/۲۲**	۰/۳۳**	۰/۲۳**	۱						
۷	۰/۴۵**	۰/۳۶**	۰/۳۵**	۰/۳۹**	۰/۳۵**	۰/۶۵**	۱					
۸	۰/۴۰**	۰/۳۴**	۰/۳۱**	۰/۳۸**	۰/۲۹**	۰/۷۱**	۰/۷۹**	۱				
۹	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۲۴**	۰/۱۵**	۰/۷۹**	۰/۵۲**	۰/۶۶**	۱			
۱۰	۰/۲۶**	۰/۲۰**	۰/۱۸**	۰/۲۹**	۰/۲۰**	۰/۸۰**	۰/۵۸**	۰/۶۴**	۰/۷۸**	۱		
۱۱	۰/۲۴**	۰/۱۸**	۰/۱۸**	۰/۲۲**	۰/۱۹**	۰/۷۹**	۰/۵۹**	۰/۶۶**	۰/۷۶**	۰/۸۷**	۱	
۱۲	۰/۳۴**	۰/۲۶**	۰/۲۵**	۰/۳۱**	۰/۲۹**	۰/۸۰**	۰/۶۷**	۰/۶۷**	۰/۷۳**	۰/۸۴**	۰/۸۱**	۱
میانگین	۲۹/۰۵	۲۸/۰۷	۱۶/۱۷	۸/۳۴	۱۱/۲۰	۲۴/۲۲	۱۸/۱۸	۱۴/۵۲	۱۶/۱۸	۲۹/۱۵	۲۸/۳۸	۲۵/۳۲
انحراف استاندارد	۱۴/۱۵	۱۳/۳۷	۶/۴۶	۴/۸۲	۵/۸۷	۵/۳۴	۵/۴۰	۴/۴۲	۴/۶۴	۶/۲۶	۶/۱۸	۵/۳۴
کجی	۰/۷۵	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۲۰	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۱۹	۰/۳۲	۰/۲۸	۰/۳۱
کشیدگی	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۱۹	۰/۶۲	۰/۱۹	۰/۵۰	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۱۷

* P < ۰/۰۵ **P < ۰/۰۱

پی‌نوشت: ۱= حوزه بریدگی و طرد، ۲= حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، ۳= حوزه محدودیت‌های مختل، ۴= حوزه دیگر جهت‌مندی، ۵= حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد/ بازداری، ۶= رضایت زناشویی، ۷= ارتباطات، ۸= حل تعارض، ۹= تحریف آرمانی، ۱۰= تعهد شخصی، ۱۱= تعهد اخلاقی، ۱۲= تعهد ساختاری

بر اساس نتایج جدول ۱، بین طرحواره‌های حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی، و گوش‌به‌زنگی بیش از حد/ بازداری با رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض، تحریف آرمانی رابطه منفی و معنادار ($P < ۰/۰۱$)، و با تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، و تعهد ساختاری رابطه منفی و معنادار ($P < ۰/۰۱$) وجود دارد. همچنین بین رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض، و تحریف آرمانی با تعهد شخصی، تعهد اخلاقی، و تعهد ساختاری رابطه مثبت و معنادار ($P < ۰/۰۱$) وجود دارد. علاوه، جدول ۱ نشان می‌دهد که شاخص‌های کجی و کشیدگی در دامنه ± ۱ قرار دارند که حاکی از تحقق پیش‌فرض نرمال بودن برای تمامی متغیرهاست. استقلال خطاها با استفاده از شاخص دوربین-واتسون^۱ بررسی و تایید شد. همچنین، با توجه به اینکه هیچ یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از $۰/۰۱$ و هیچ یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس^۲ (VIF) بیشتر از ۱۰ نبود، می‌توان اطمینان حاصل کرد که مفروضه عدم هم‌خطی نیز برقرار است. بنابراین با توجه به برقرار بودن مفروضه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش برآورد بیشینه درست‌نمایی^۳ انجام شد. شکل ۱، مدل نهایی و استاندارد شده روابط ساختاری تعهد زناشویی را بر مبنای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و با میانجی‌گری رضایت زناشویی نشان می‌دهد.

1 Durbin- Watson
 2 Variance Inflation Factor
 3 maximum likelihood estimation method

بر اساس نتایج جدول ۳، رضایت زناشویی رابطه میان حوزه بریدگی و طرد با تعهد زناشویی و همچنین رابطه میان حوزه دیگر جهت‌مندی با تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند و سایر متغیرها بدون اثر هستند. در ادامه به منظور بررسی برازش داده‌های تجربی حاصل از پژوهش با مدل مفهومی، شاخص‌های برازش مدل ساختاری در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازش	X2	df	X2 / df	GFI	NFI	CFI	IFI	RMSEA
مقادیر به‌دست‌آمده	۶۹/۹۶۶	۲۶	۲/۶۹۱	۰/۹۸۲	۰/۹۸۶	۰/۹۹۴	۰/۹۹۴	۰/۰۵۱
حد قابل قبول	-	-	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	بیشتر از ۰/۹	کمتر از ۰/۰۸

مطابق با جدول ۴، شاخص X^2/df (۲/۶۹۱) در دامنه مطلوب قرار دارد. همچنین شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/982$)، شاخص برازش هنجار شده ($NFI=0/986$)، شاخص برازش تطبیقی ($CFI=0/994$)، شاخص برازش افزایشی ($IFI=0/994$)، و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA=0/051$) همگی در دامنه مطلوب قرار دارند. در نتیجه برازش مدل نهایی پژوهش تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی رضایت زناشویی در رابطه میان طحوراه‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی در زنان متأهل انجام شد. نتایج نشان داد که حوزه‌های بریدگی و طرد، و دیگر جهت‌مندی طحوراه‌های ناسازگار اولیه اثر مستقیم و منفی بر تعهد زناشویی دارند. این نتیجه همسو با یافته‌های وارما و ماهسواری (۲۰۲۴)، کریمی و همکاران (۲۰۲۳)، بیک‌زاده و همکاران (۲۰۲۳)، تاپلو-دمیرتاس^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، قاسمی و همکاران (۱۴۰۱)، امیرارجمندی و همکاران (۱۴۰۰)، سادات شریفی و همکاران (۱۴۰۰) است. در تبیین آن می‌توان گفت که تجاری که افراد دارای طحوراه‌های ناسازگار اولیه در طی سال‌های ابتدایی زندگی‌شان داشته‌اند، برای شکل‌گیری عدم توانایی آنان جهت برآورده کردن نیازهای اساسی روانشناختی‌شان در روابط بزرگسالی، نقش شالوده‌ای بنیادین را دارد. ترس پایدار از رها شدن (حوزه ۱) و نیاز مداوم به دریافت تایید و پذیرش از جانب دیگران (حوزه ۴)، افراد دارای این طحوراه‌ها را در موقعیت تثبیت شده‌ای قرار می‌دهد که به دلیل نیاز فزاینده‌شان برای احساس امنیت در رابطه، به طور مداوم در جستجوی کسب اطمینان از عشق و تعهد باشند (کورال و کوواکس^۲، ۲۰۲۲). میزان زیاد نیاز برآورده نشده موجب جستجوی فزاینده جهت برآورده کردن آن می‌شود و چون آن را در رابطه اصلی نمی‌یابند، در بزرگسالی تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند یا از برقراری روابط بین فردی نزدیک اجتناب کنند (کارانتزاس^۳ و همکاران، ۲۰۲۲).

یافته دوم پژوهش حاکی از آن بود که حوزه‌های بریدگی و طرد و دیگر جهت‌مندی طحوراه‌های ناسازگار اولیه اثر مستقیم و منفی بر رضایت زناشویی دارند که این یافته با پژوهش‌های یولایول و ازن-چیپلاک^۴ (۲۰۲۴)، پوراسماعیلی و همکاران (۲۰۲۱)، دربا و همکاران (۱۴۰۰) تطابق دارد. این یافته را می‌توان این گونه تبیین کرد که به دلیل اینکه حوزه‌های بریدگی و طرد (حوزه ۱) و دیگر جهت‌مندی (حوزه ۴)، اساساً از نظر ماهیت بین فردی هستند، در نتیجه منعکس‌کننده تعاملات ناسازگار اولیه هستند که در روابط عاطفی بزرگسالی تجلی می‌یابند. افرادی که طحوراه‌هایشان در حوزه بریدگی و طرد است، باور دارند که نیازهای آنها به عشق و تعلق، مراقبت، امنیت، و پایداری هرگز برآورده نخواهد شد زیرا این نیازها در دوران کودکی آنها برآورده نشده است، در نتیجه فوق‌العاده در رابطه با نشانه‌های طرد در رابطه، حساس هستند زیرا دارای این باور بنیادین هستند که دیگران آنها را ترک می‌کنند و آنها از لحاظ عاطفی و هیجانی برای همیشه تنها می‌مانند. بنابراین نمی‌توانند با همسرشان صمیمیت و دلبستگی ایمنی را شکل دهند که اثر منفی بر رضایت از رابطه دارد (ایکن، ۲۰۱۷). همچنین افرادی که طحوراه‌هایشان در حوزه دیگر جهت‌مندی قرار می‌گیرد، عقاید و آرزوهای دیگران را، نسبت به خودشان در

1 Toplu-Demirtas

2 Kural, & Kovacs

3 Karantzias

4 Uluyol & Özen-Çiplak

اولویت قرار می‌دهند و در جستجوی تحسین و تایید دیگران هستند. این افراد، نه تنها دیدگاه‌های منفی نسبت به خود و متعاقب آن فقدان شایستگی و کارآمدی را به طور مداوم دارند، بلکه شواهد نیز نشان می‌دهد که آنان در روابط نزدیک، درگیر خودقربانی می‌شوند و به دلیل ترس مزمونی که نسبت به رها شدن و نیاز برای تایید و پذیرش دارند، به نیازهای دیگران نسبت به نیازهای خودشان امتیاز ویژه می‌دهند تا حس حمایت و ایثار را به طرف مقابل منتقل کنند، به این امید که توسط دیگری تایید بشوند و احساس ارزشمندی بکنند. در نتیجه رضایت از رابطه کاهش می‌یابد (کارانزاس و همکاران، ۲۰۲۲).

یافته سوم پژوهش حاضر نشان داد که رضایت زناشویی اثر مثبت و مستقیمی بر تعهد زناشویی دارد که این نتیجه در راستای پژوهش‌های تانوم و همکاران (۲۰۲۳)، سلترمن و همکاران (۲۰۲۱)، هاکاتورن و آشداون (۲۰۲۱)، گونزالز-پورا^۱ و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد. در تبیین آن می‌توان استدلال کرد که افرادی که از رابطه‌شان رضایت دارند، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، که موجب می‌شود ارزیابی مثبت‌تر و سازگارانه‌تری از رابطه و همسرشان داشته باشند، بنابراین تعهد بیشتری را نسبت به ازدواج و همسرشان خواهند داشت و نسبت به نقض تعهد نگرش‌های منفی‌تری دارند (ایسما و ترنیپ، ۲۰۱۹). از سوی دیگر همسرانی که رضایت پایین‌تری از رابطه‌شان دارند، و تمایل دارند که روابط صمیمانه داشته باشند، و نمی‌توانند آن را در رابطه اصلی‌شان به دست آورند، به سمت نقض تعهد و برقراری روابط با دیگران کشیده می‌شوند. شخصی که از رابطه‌اش رضایت ندارد، ممکن است در راستای برآورده کردن نیازهای خاصی که در رابطه‌ی اصلی برآورده نمی‌شود، به رابطه دیگری روی بیاورد یا اینکه در جستجوی یک پارتنر جدید باشد، در حالی که برای اجتناب از تنهایی، در رابطه ناشاد اولیه هم باقی بماند (وارما و ماهشواری، ۲۰۲۴).

یافته چهارم پژوهش مبین این بود که رضایت زناشویی رابطه میان حوزه بریدگی و طرد با تعهد زناشویی و همچنین رابطه میان حوزه دیگر جهت‌مندی با تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند. می‌توان این گونه استدلال کرد که از آنجایی که این گرایش وجود دارد که جذب چیزی بشویم که آشناست، همسران اغلب یکدیگر را بر اساس طرحواره‌های موجود انتخاب می‌کنند، و این جذابیت رابطه‌ای (جذابیت طرحواره‌ای) نامیده می‌شود که به نوبه خود مشکلات جدی در رابطه ایجاد می‌کند (فینی و کارانزاس^۲، ۲۰۱۷). در این شرایط، اگر پارتنرها با موقعیت‌هایی مواجه شوند که ماشه‌چکانی برای طرحواره‌های آنها باشد، نمی‌توانند به شکل مکفی به نیازهای یکدیگر رسیدگی کنند. پس از فعال شدن طرحواره، افراد بر اساس آنچه طرحواره‌شان دیکته می‌کند، رفتار می‌کنند و این موقعیت آزادی آنها را محدود می‌کند و در تله طرحواره می‌مانند. آنها مشکلات پیش‌آمده فی مابین را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با طرحواره‌هایشان همخوان باشد. بنابراین حساسیت‌های کلی نشان می‌دهند، نیازها و خواسته‌هایشان را به شیوه‌های ناواضح و غیرمستقیم، بیان می‌کنند و دچار تحریف‌های شناختی می‌شوند. بنابراین مشکلات بین فردی می‌توانند نمودی از استراتژی‌های ناسازگار بین فردی باشند که برای مدیریت هیجانات دردناکی که همراه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه فعال می‌شوند، به کار می‌روند (وارما و ماهشواری، ۲۰۲۴). در نتیجه، مشاهده می‌شود که حتی عدم توافق‌های کوچک، به سمت بحث‌های جدی پیش می‌رود که به نوبه خود عدم رضایت از رابطه را افزایش می‌دهد و زمینه را برای کاهش تعهد زناشویی مهیا می‌کند. اما زمانی هم که افراد در جستجوی پارتنر جدید هستند، در عمل در خط سیر تجارب ارتباطی پیشین پیش می‌روند. زیرا طرحواره، ردپای درونی از تجارب ارتباطی قبلی است و در سرتاسر زندگی تداوم می‌یابد (ایکن، ۲۰۱۷).

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر که می‌توان به آن اشاره کرد استفاده از روش توصیفی-همبستگی است که امکان استخراج نتایج علی را فراهم نمی‌سازد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی نقش مداخلات روانشناختی جهت افزایش سطوح تعهد و رضایت زناشویی بپردازند. مورد دیگر، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و نمونه‌گیری از مراکز مشاوره شهر شیراز بود که قدرت تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده، از روش نمونه‌گیری تصافی استفاده کنند و جامعه آماری بزرگ‌تری را پوشش دهند. همچنین به دلیل اینکه موضوعات مرتبط با تعهد زناشویی و نقض آن با مواردی مثل پنهان‌کاری و عدم مطلوبیت اجتماعی به ویژه در گروه زنان همراه هستند، افراد ممکن است که پاسخ‌های صادقانه‌ای به پرسشنامه‌ها ندادند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) اجرا شود و از مصاحبه‌های ساختاریافته استفاده شود تا اطلاعات دقیق‌تری به دست آید. پیشنهاد کاربردی که با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان ارائه داد این است که توصیه می‌شود مشاوران خانواده و ازدواج، در جلسات مشاوره‌های پیش از ازدواج خود، به نقش موثر رضایت زناشویی و همچنین طرحواره‌های حوزه‌های بریدگی و طرد، و دیگر جهت‌مندی جهت ارتقای سطح تعهد زناشویی توجه کنند و متناسب با آن برنامه‌های آموزشی و درمانی طراحی نمایند.

1 González-Rivera

2 Feeney, & Karantzas

- امیرارجمندی، ز. جهانگیر، پ. نیکنام، م. (۱۴۰۰). تبیین تعهد زناشویی در زنان متأهل براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مکان کنترل؛ بررسی نقش میانجی‌گر معنویت. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*. دوره ۱۲، (۳)، ۳۹۵-۴۰۹.
<https://doi.org/10.22059/japr.2021.312717.643678>
- دریا، م. محمود پور، ع. ایجاد، س. یوسفی، ن. (۱۴۰۰). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با رضایت زناشویی و کیفیت زندگی در زنان دارای همسر وابسته به مواد. *فصلنامه علمی/اعتیاد پژوهی*. سال ۱۵، شماره ۶۰، ۳۷۳-۳۹۳.
<http://dori.net/dor/20.1001.1.17357462.1399.19.94.11.5>
- سادات شریفی، ن. رباط میلی، س. شهیدی، ش. قربان چهرمی، ر. (۱۴۰۰). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک فرزندپروری در زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*. (۲)۱۲، ۳۵۷-۳۷۷.
<https://doi.org/10.22059/japr.2021.324580.643854>
- صادقی، م. (۱۳۸۹). الگوهای تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار. رساله دکتری، رشته روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- صدوقی، ز. آکیار -وفای، م. رسول‌زاده طباطبایی، ک. اصفهانیان، ن. (۱۳۸۷). تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، (۲)۱۴، ۲۱۴-۲۱۹.
<http://ijpcp.iuims.ac.ir/article-1-474-fa.html>
- عباسی ح، احمدی، س. ا. فاتحی‌زاده، م. بهرامی، ف. (۱۳۹۵). تأثیر واقعیت‌درمانی گلاسر بر تعهد شخصی زوجین. *آسیب‌شناسی خانواده*. (۱)۲، ۳۹-۵۳.
<http://fpcej.ir/article-1-116-fa.html>
- قاسمی، ک. الهی، ط. یوسفی افراشته، م. (۱۴۰۱). نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، رها شدگی/ بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی/ بدرفتاری) در تعهد زناشویی با واسطه‌گری نقش‌های جنسیتی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*. دوره ۱۲، شماره ۱، ۵-۲۱.
<https://doi.org/10.22067/tpccp.2022.75842.1266>
- نصیرهرند، م. مکوندی، ب. باوی، س. پاشا، ر. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی طرحواره‌درمانی و درمان متمرکز بر شفقت بر رضایت از زندگی زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار زنان متأهل دانشجوی. *دست‌آوردهای روانشناختی*. (۲)۲۹، ۱۰۵-۱۲۸.
<https://doi.org/10.22055/psy.2022.39426.2765>
- Adams JM, Jones WH. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*. 72(5),1177-96.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.72.5.1177>
- Ateş, G. (2018). *Associated Factors Of Subjective Well-Being In Married Individuals: Online Infidelity Tendency, Gender Roles, And Marital Satisfaction* (Doctoral dissertation, Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy, Middle East Technical University, Ankara). <https://open.metu.edu.tr/handle/11511/27805>
- Beikzadeh, K., Emamipour, S., & Baghdasarians, A. (2023). Formulation of the Extramarital Relationships Model Based on Early Maladaptive Schemas Mediated by Sensation-seeking in Men. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*, 10(3), 81-88. <http://dx.doi.org/10.32592/ajnp.2023.10.3.100>
- Eken, E. (2017). The Role of Early Maladaptive Schemas on Romantic Relationships: A Review Study. *International Journal of Social Sciences*. 3(3), 108-123. <https://doi.org/10.20319/pijss.2017.33.124132>
- Feeney, J. A., & Karantzas, G. C. (2017). Couple conflict: Insights from an attachment perspective. *Current Opinion in Psychology*, 13, 60– 64. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.017>
- Fowers, B. J., & Olson. D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A Brief Research and Clinical Tool. *Journal of Family Psychology* 7(2). 176–85. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.7.2.176>
- Franzoy, A., & Frampton, J. R. (2024). An investigation of technology's role in coping with infidelity. *Qualitative Research Reports in Communication*, 1-10. <https://doi.org/10.1080/17459435.2024.2310516>
- González-Rivera, J. A., Aquino-Serrano, F., Pérez-Torres, E. M. (2020). Relationship Satisfaction and Infidelity-Related Behaviors on Social Networks: A Preliminary Online Study of Hispanic Women. *Eur J Investig Health Psychol Educ*, 10, 297–309. <https://doi.org/10.3390/ejihpe10010023>
- Hergert J. (2016). *Personality, situation, and infidelity in romantic relationships*. Dissertation for degree of Doctor of Philosophy, University of Hagen. <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:hbz:708-dh201>
- Hackathorn, J., & Ashdown, B. K. (2021). The webs we weave: Predicting infidelity motivations and extradyadic relationship satisfaction. *The Journal of Sex Research*, 58(2), 170-182. <https://doi.org/10.1080/00224499.2020.1746954>
- Isma M. N. P., Turnip S. S. (2019). Personality Traits and Marital Satisfaction in Predicting Couples' Attitudes Toward Infidelity. *Journal of Relationships Research*. 10, e13, 1–5. <https://doi.org/10.1017/jrr.2019.10>
- Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., Polad, V., & Cosh, S. (2023). Assessing the relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems using interpersonal scenarios depicting rejection. *Plos one*, 18(10), e0288543. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0288543>
- Karantzas, G.C., Younan, R., Pilkington P.D. (2022). The Associations Between Early Maladaptive Schemas and Adult Attachment Styles: A Meta-Analysis. *Clinical Psychology: Science and Practice*. 30(1), 1–20.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/cps0000108>

Investigating the mediating role of marital satisfaction in the relationship between early maladaptive schemas and ...

- Karimi, S., Doostdari, F., Yosefi, R., Soleymani, M., Kianimoghadam, A. S., & Safari, F. (2023). The Role of Early Maladaptive Schemas in Predicting Legitimacy, Seduction, Normalization, Sexuality, Social Background, and Sensation Seeking in Marital Infidelity. *Practice in Clinical Psychology, 11*(3), 249-258. <http://dx.doi.org/10.32598/jpcp.11.3.848.2>
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. [Principles and Practice of Structural Equation Modeling - Rex B. Kline - Google Books](https://books.google.com/books?id=Principles+and+Practice+of+Structural+Equation+Modeling+-+Rex+B.+Kline+-+Google+Books)
- Kural, A.I., Kovacs, M. (2022). Attachment security schemas to attenuate the appeal of benevolent sexism: The effect of the need to belong and relationship security. *Acta Psychologica, 229*, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2022.103671>
- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The Dynamic Goal Theory of Marital Satisfaction. *Review of General Psychology, 15*(3), 246-254. <https://doi.org/10.1037/a0024694>
- Oei, T. S., & Baranoff, J. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology, Vol. 59, No. 2*, 78 – 86. <https://doi.org/10.1080/00049530601148397>
- Pouresmaili Najafabadi, Z., Alibeigi, N., Eskandarnia, E. (2021). Comparison of cognitive and emotional schema in women with and without marital satisfaction. *World Journal of Advanced Research and Reviews, 12*(1), 56-65. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2021.12.1.0455>
- Sakman, E., Urganci, B., Sevi, B. (2021). Your cheating heart is just afraid of ending up alone: Fear of being single mediates the relationship between attachment anxiety and infidelity. *Personality and Individual Differences, 168*, 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110366>
- Seltermann, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2021). What do people do, say, and feel when they have affairs? Associations between extradyadic infidelity motives with behavioral, emotional, and sexual outcomes. *Journal of Sex & Marital Therapy, 47*(3), 238-252. <https://doi.org/10.1080/0092623X.2020.1856987>
- Tatum, A. K., Flicker, S. M., Peralta, I., & Kubicki, R. J. (2023). Initial Motivations for Engaging in Polyamorous Relationships. *Arch Sex Behav, 1-16*. <https://doi.org/10.1007/s10508-023-02750-z>
- Toplu-Demirtaş, E., Akcabozan-Kayabol, N. B., Araci-Iyiydin, A., & Fincham, F. D. (2022). Unraveling the roles of distrust, suspicion of infidelity, and jealousy in cyber dating abuse perpetration: An attachment theory perspective. *Journal of Interpersonal Violence, 37*(3-4), NP1432-NP1462. <https://doi.org/10.1177/0886260520927505>
- Uluyol, F. M., & Özen-Çıplak, A. (2024). Dyadic relationship of adult attachment patterns and interpersonal schemas in marital adjustment: Actor-partner effect model. *Family Relations, 73*(1), 130-145. <https://doi.org/10.1111/fare.13002>
- Varma, P., & Maheshwari, S. (2024). How do People Betray in Relationships? Understanding the Process of Infidelity in Dating Relationships. *Deviant Behavior, 45*(1), 126-138. <https://doi.org/10.1080/01639625.2023.2240470>
- Wilde, J. L., & Dozois, D. J. (2019). A dyadic partner-schema model of relationship distress and depression: Conceptual integration of interpersonal theory and cognitive-behavioral models. *Clinical psychology review, 70*, 13-25. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2019.03.003>
- Young, J., & Gluhoski, V. (1997). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In R. J. Sternberg & M. Hojjat (Eds.), *Satisfaction in close relationships* (pp. 356–381). The Guilford Press. <https://psycnet.apa.org/record/1997-05057-014>